فصل‌نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال چهاردهم، شماره پنجاه‌وسوم، بهار ۱۴۰۳
مقاله پژوهشی، صفحات ۱۳۳-۱۵۸

تأثیر سیاست‌های سلسله دوگرا (۱۹۴۷-۱۸۴۶) بر وضع اجتماعی شیعیان کشمیر

محمدرضا زارع خورمیزی[۱]
سید ظفر مهدی موسوی کشمیری[۲]
محمد مهدی زارع خورمیزی[۳]

چکیده

در پی فروش منطقه کشمیر توسط انگلیسی‌ها به راجپوت‌های هندو مذهب در سال ۱۸۴۶، حاکمیت سلسله دوگرا (۱۸۴۶–۱۹۴۷) بر جمعیت مسلمان کشمیر شکل گرفت و شرایط دشواری برای مسلمانان به وجود آمد. هدف اصلی این پژوهش، تبیین اوضاع اجتماعی شیعیان کشمیر در آن دوره تاریخی است و سؤال اصلی تحقیق این است که وضعیت و شرایط اجتماعی شیعیان کشمیر در دوره حکومت دوگراهای هندو مذهب چگونه بوده‌است؟ در پاسخ به این سؤال، با به‌کارگیری روش توصیفی-تحلیلی و استناد به منابع تاریخی از جمله اسناد معاصر، سوابق کمپانی هند شرقی بریتانیا، گزارش‌های دربار نایب‌السلطنه انگلیس، مقامات دولتی و سفرنامه‌های سیاحان خارجی معلوم شد که شیعیان کشمیر به‌عنوان اقلیتی مذهبی، با تبعیض‌های اجتماعی گسترده و نظام‌مند از سوی حاکمان دوگرا مواجه بودند. با وجود فشارها و سرکوب‌های دولتی، آنان با تلاش‌های مستمر به حفظ و احیای فرهنگ و آیین‌های مذهبی خود پرداختند و در برابر تحرکات تفرقه‌افکنانه میان شیعه و سنی مقاومت کردند. شیعیان علاوه‌بر حفظ هویت متمایز خود، به همگرایی عملی با اهل سنت دست یافتند و با مشارکت فعال در نهضت آزادی کشمیر، در تضعیف حاکمیت دوگراها در آستانه استقلال هند نقش بسزایی داشتند.

کلیدواژه‌ها: کشمیر، سلسله دوگرا، شیعیان کشمیر، استقلال هند.

---

۱. استادیار گروه تاریخ اسلام دانشگاه بین‌المللی اهل‌بیت(ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول). khormizi@abu.ac.ir
۲. کارشناس ارشد تاریخ اسلام دانشگاه اهل‌بیت(ع)، تهران، ایران. armaan.journo@gmail.com
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی دانشگاه تهران، تهران، ایران.
mohammadmahdizare1997@gmail.com
تاریخ دریافت: ۰۳/۰۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۰۳/۰۳/۲۵

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.7]

The Impact of Dogra Dynasty Policies (1846–1947) on the Social Status of the shīʿa Community in Kashmir

Mohammad Reza Zare Khormizi[1]
Seyed Zafar Mehdi Mousavi Kashmiri[2]
Mohammad Mahdi Zare Khormizi[3]

Abstract

Following the sale of the Kashmir region by the British to the Hindu Rajput rulers in 1846, the Dogra dynasty (1846–1947) established its rule over the Muslim population of Kashmir, creating difficult conditions for them. The primary aim of this research is to explain the social conditions of the Shia community in Kashmir during this historical period. The main research question is: What were the social circumstances of the Shia Muslims in Kashmir under the rule of the Hindu Dogra dynasty? In answer to this question, using a descriptive-analytical approach and relying on historical sources such as contemporary documents, records of the British East India Company, reports from the British Viceroy's court, government officials, and foreign travelers' accounts, it becomes evident that the Shia, as a religious minority, faced widespread and systematic social discrimination by the Dogra rulers. Despite governmental oppression and repression, the shīʿa community made continuous efforts to preserve and revive their religious culture and rituals, resisting divisive efforts aimed at creating discord between shīʿa and Sunni Muslims. In addition to preserving their distinct identity, the shīʿa community practically achieved unity with the Sunnis and played an active role in the Kashmir liberation movement, significantly contributing to the weakening of the Dogra rule on the eve of India's independence.

Keywords: Kashmir, Dogra Dynasty, Kashmiri shīʿa, Indian Independence.

1. Assistant Professor, Department of Islamic History, AhlulBayt International University, Tehran, Iran (Corresponding Author). khormizi@abu.ac.ir
2. M.A. in Islamic History, AhlulBayt University, Tehran, Iran. armaan.journo@gmail.com
3. M.A. student in Entrepreneurship Management, University of Tehran, Tehran, Iran. mohammadmahdizare1997@gmail.com

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.7]

درآمد

کشمیر[1] بیش از ۵۰۰۰ سال سابقه تاریخی دارد. موقعیت جغرافیایی، استعداد اقتصادی و فرهنگ غنی اسلام و تشیع جایگاهی منحصربه‌فرد به کشمیر بخشیده است. در دوره معاصر قبل از استقلال هند، خاندان هندو مذهب دوگرا[2] بین سال‌های ۱۸٤٦ تا ۱۹٤۷ در کشمیر حکومت کردند؛ دوره‌ای که به لحاظ فشارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تأثیر فراوانی بر شرایط اجتماعی مسلمانان، به‌ویژه شیعیان کشمیر داشت. وضعیت نامناسب فعلی کشمیر تا حد زیادی از آن دوره تأثیر گرفته است. تاکنون پژوهش جامعی درباره وضع اجتماعی شیعیان کشمیر در دوره حکومت دوگرا انجام نشده و تحقیقات موجود بیشتر وضع ساکنان کشمیر را به‌صورت کلی بررسی کرده و به شیعیان به‌طور خاص اشاره نکرده‌اند. بر همین اساس، موضوع این پژوهش به بررسی اوضاع اجتماعی شیعیان کشمیر در دوره حاکمیت دوگراها (۱۹٤۷ ـ ۱۸٤٦) اختصاص دارد. محدوده مکانی پژوهش منطقه کشمیر و محدوده زمانی پژوهش از سال ۱۸٤٦، یعنی سال واگذاری کشمیر از طرف انگلیسی‌ها، تا سال ۱۹٤۷، یعنی پایان حکومت دوگراها، استقلال هند و تقسیم کشمیر به دو محدوده بین هند و پاکستان است. در چگونگی روی کار آمدن دوگراها در کشمیر به‌طور خلاصه می توان گفت در سال‌های قبل از ۱۸٤٦ سیاست استعماری بریتانیا آنها را به هند شمالی و سرانجام به کشمیر کشاند. آنها می‌خواستند بر استان مهم پنجاب که توسط سیک‌ها اداره می‌شد نیز تسلط داشته باشند که در نهایت منجر به جنگ انگلو–سیک[3] شد (Smith, 1/110). مهاراجه گلاب سینگ[4] ، از خاندان هندو مذهب دوگرا، یکی از اعضای تأثیرگذار دربار سیک‌ها در لاهور بود. انگلیسی‌ها موفق شدند او را به سمت خود بکشانند و باعث شکاف داخلی در اردوگاه سیک‌ها و شکست آنها شوند. با این حیله انگلیسی‌ها موفق شدند

1. Kashmir.
2. Dogra Hindu Dynasty.
3. Anglo-Sikh War.
4. Maharaja Gulab Singh.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.7]

مهار کامل پنجاب را به دست بگیرند و سیک‌ها را وادار به امضای پیمان لاهـور[1] کننـد. بر اساس آن پیمان علاوه‌بر پنجاب، جمو[2] و کشمیر و لداخ[3] نیز به تصرف بریتانیا درآمـد (ibid). یک هفته بعد، انگلیسی‌ها معاهده دیگری به نام پیمان امرتسر[4] با گلاب سـینگ منعقد کردند که بر اساس آن حکومت کشمیر به گلاب سینگ سپرده شد. به این ترتیب سلسله حکومت دوگراها در کشمیر آغاز شد (Markovits, 2/289). پـیش از پیمـان امرتسر، استان کشمیر تحت فرمانروایی یک سوبیدار[5] بود که توسط حاکمـان سـیک در لاهور تعیین می‌شد. استان‌های جمو و لداخ هم زیر نظر خـانواده دوگـرا بـه سرپرسـتی گلاب سینگ بود. او نماینده مستقیم دربار سیک‌ها در لاهور بود. با پیمان امرتسـر، سـه منطقه کشمیر، جمو و لداخ که از نظر سیاسی و فرهنگـی و جغرافیـایی متفـاوت بودنـد برای اولین بار باهم ادغام شدند و یک نهـاد بـزرگ سیاسـی را تشـکیل دادنـد. مطـابق معاهده امرتسر، کمپانی هند شرقی در ازای وا گذاری کشمیر مبلغ هفـت و نـیم میلیـون روپیه نانک شاهی از گلاب سینگ دریافت کرد (Rai, 27). به تعبیـر دیگـر در معاملـه انگلیسی‌ها ارزش هر کشمیری دوازده روپیه بود که توسط مقامـات بریتانیـا بـه گـلاب سینگ فروخته شدند (بدگامی، ۱۳۹۷). ایـن معاهـده کـه در راسـتای منـافع اسـتعماری دولت بریتانیا طراحی شده بود، حفظ امنیت و اقدامات اداری و سیاسی منطقـه جمـو و کشمیر را به خاندان هندو مذهب دوگرا واگذار کرد. انگلیسی‌ها نمی‌خواستند مسـلمانان در اطراف منطقه ایندوس حکومت داشته باشند. علاوه‌بر این، سیاست استعماری بریتانیا بر این بود که مناطق کشمیر با قلمروهای مجاور خود محدوده جدیدی را شـکل دهـد؛ لذا تعیین محدوده جغرافیایی حاکمیت دوگراها نیز ابتکار شخص گـلاب سـینگ نبـود. انگلیسی‌ها در این برنامه تنها بـه فکـر ایـن بودنـد کـه اشخاصـی را در منطقـه کشـمیر بگمارند که اولاً به بریتانیا وفادار باشند، ولو هویت این اشخاص با هویت مردم کشـمیر

1. Treaty of Lahore.
2. Jammu.
3. Ladakh.
4. Treaty of Amritsar.
5. Subedar.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.7]

متفاوت باشد؛ ثانیاً منافع مالی بریتانیا را تأمین کنند و به انگلیسی‌ها بیشتر پول بدهند. بعد از پیمان امرتسر، اوضاع کشمیر بدتر شد، چرا که اقلیتی از هندوها (دوگرا) مهار کامل کشمیر را به دست گرفتند و تمام مناصب سیاسی این ایالت را به رفقا و هندوهای هم‌تیره خود واگذار کردند. آنها قوانین سخت‌گیرانه‌ای را علیه ساکنان اصلی کشمیر یعنی مسلمانان ابداع و اجرا کردند که با رفتارهای خصمانه و ناعادلانه همراه بود. بعد از واگذاری کشمیر به دوگراها، مسلمانان به‌طور کامل از مناصب کنار گذاشته شدند. مردم مسلمان کشمیر برای رهایی از ظلم و اسارت، چاره‌ای جز قیام علیه حکومت دوگراها نداشتند. با این همه دوگراها با حمایت مستقیم انگلیس موفق شدند به مدت یک قرن بر کشمیر حکومت کنند و در نهایت در زمان استقلال هند و پاکستان برخلاف نظر مردم مسلمان کشمیر که خواستار استقلال یا پیوستن به پاکستان بودند، آخرین حاکم دوگرا، ارتش هند را به کشمیر دعوت کرد و زمینه‌ساز تنش دیرین بین هند و پاکستان شد (همان).

پژوهش حاضر در صدد است تا تأثیر سیاست‌های حاکمان سلسله دوگرا (۱۸٤٦-۱۹٤۷) را بر وضع اجتماعی شیعیان کشمیر بررسی کند.

حاکمان دوگرا از سال ۱۸٤٦-۱۹٤۷

ردیف	نام	شروع و پایان حکومت	مدت حکومت	توضیحات
۱	گلاب سینگ Gulab Singh	۱۸٤٦ـ۱۸٥٦	۱۰ سال	با پیمان امرتسر توسط انگلیسی‌ها به قدرت رسید.
۲	رانبیر سینگ Ranbir Singh	1856–1885	۲۹سال	در سال‌های پایانی حکومت وی ظلم و ستم به اوج رسید.
۳	پرتاب سینگ Pratap Singh	1885–1925	۳۵سال	در زمان وی انگلیسی‌ها برای مدتی برادرش، امرسینگ (Amar Singh) را به

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.7]

				حکومت نشاندند اما زمامدار واقعی سر والتر لارنس بود.
٤	هاری سینگ Hari Singh	1925–1952	۲۷سال	در دوره او سلطنت لغو شد.
٥	کاران سینگ Karan Singh	1952–1961	۹سال	تنها عنوان سلطنت داشت.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های تاریخی درباره کشمیر بیشتر بـه دوره سـلاطین شـاه میـر[1]، دوره امـرای چک[2] و دوره گورکانیان (مغول)[3] اختصاص دارد و دوره دوگرا کمتر مورد بررسی قـرار گرفته است. برخی متون تاریخی معتبـر ماننـد *تـاریخ حسـن* نوشـته کایهـامی (۲۰۰۳)، کشمیر را از گذشته تا زمان حکومـت دوگـرا در برگرفتـه اسـت. همچنـین پروژه‌هـای تحقیقی که در زمینه حکومت دوگرا در کشمیر انجام شـده، وضـع اجتمـاعی، سیاسـی، اقتصادی و فرهنگی مسلمانان کشـمیر را به‌صـورت عـام بیـان کـرده و کمتـر پـژوهش مستقلی در مورد وضع شیعیان به‌طور خاص انجام شده‌اسـت. بـا ایـن حـال، اطلاعـات فراوانی در قالب تواریخ آن دوره در دست است. از آثاری که درباره دوره دوگرا نوشـته شده می‌توان به کتاب *دره کشمیر* از لارنس[4] (1895)، *داخل کشمیر* از بزاز[5] (1941) و *کاشیر: یک تاریخ کشمیر بودن* از صـوفی[6] (۱۹٤۸) اشـاره کـرد. رام[7] نیـز اثـری دربـاره بنیان‌گذار سلسله دوگرا، گلاب سینگ تدوین کرده و از اولین وزیر ارشد کشمیر به نـام شیخ محمد عبدالله (۱۹۸٦) نیز کتاب *آتش چنار* به‌جا مانده است. همچنـین از مسـافران و گردشگران خارجی که در زمان حکومت دوگرا به کشمیر آمدند، سـفرنامه‌هایی بـاقی

1. Shah Mir Dynasty.
2. Chak Dynasty.
3. Mughal Empire.
4. *The Valley of Kashmir* from Lawrence.
5. *Inside Kashmir* from Bazaz.
6. *Kashir: Being a History of Kashmir* from Sufi.
7. *Gulabnama* from Ram.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.7]

مانده است، مانند اثر تورپ[1] (۱۸٦۸) با عنوان *بد حکومت های کشمیر*؛ سفرنامه لرد (۱۹۳٦) با نام *دو ملت و کشمیر*[2]؛ اثر نایت (۱۸۹٦) با عنوان: *محل ملاقات سه امپراطوری*[3] و اثر کوربل (۱۹٥٤) با نام: *خطر در کشمیر*[4] نیز منابع ارزشمندی برای پژوهش حاضر به‌شمار می‌روند. بعد از سقوط حکومت دوگرا، آثاری توسط نویسندگان و محققان داخلی و خارجی تألیف شد، مانند کتابی از الستر لمب (۱۹۹۱) با عنوان *کشمیر: میراث مورد مناقشه*[5]، اثری از رای (۲۰۰٤) با نام *حاکمان هندو، اتباع مسلمان*[6]، اثری از خان (۱۹۹۰) با عنوان *تاریخ سرینگر*[7]، کتاب حسنین (۱۹۸۸) با نام *مبارزه آزادی در کشمیر*[8]، کتابی از اسکوفیلد (۲۰۲۱) با عنوان *کشمیر در درگیری*[9] و نهایتاً کتاب بامزای (۱۹۹٤) با عنوان *تاریخ سیاسی و فرهنگی کشمیر*[10] که هر کدام بخشی از تاریخ معاصر کشمیر را بیان می‌کنند. همچنین چندین کتاب تاریخ کشمیر توسط نویسندگان شیعه نوشته شده، مانند *تاریخ شیعیان کشمیر* از همدانی (۱۹۸۷)، *شیعیان کشمیر* از متو (۱۳۹۱)، *دانشنامه شیعیان کشمیر* از حسینی کشمیری (۲۰۱۱) و نهایتا کتاب ارزشمند حسین (۲۰۱۷) با نام *تاریخ شیعیان جامو و کشمیر*[11]. این آثار هر کدام در جای خود منابع ارزشمندی برای شناخت تاریخ شیعیان در کشمیر به‌شمار می‌روند، اما هیچ‌کدام به‌طور تخصصی به اوضاع اجتماعی شیعیان در زمان دولت دوگراها نپرداخته‌اند؛ لذا اثر حاضر می‌تواند تا حدی این خلأ پژوهشی را جبران کند.

1. Thorpe.
2. *Two Nations and Kashmir from Lord*.
3. *Where Three Empires Mee* from Knight.
4. *Danger in Kashmir* from Korbel.
5. *Kashmir: A Disputed Legacy* from Lamb.
6. *Hindu Rulers, Muslim Subjects* from Rai.
7. *History of Srinagar* from Khan.
8. Freedom Struggle in Kashmir from Hassnain.
9. Kashmir in Conflict from Scofield.
10. Culture and political history of Kashmi from Bamzai.
11. The Shi'as of Jammu & Kashmir from Hussain.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.7]

تأثیر سیاست های سلسله دوگرا در ساختار اجتماعی کشمیر

۱. تغییرات جمعیتی

مسلمانان از زمان سلاطین شاه میر در ایالت جمو و کشمیر در اکثریت بودند و درصد جمعیت شیعیان نیز بالا بود. پس از فروپاشی حکومت چک و حمله گورکانیان و افغان‌ها، که به شیعیان ستم زیادی روا داشتند، جمعیت شیعه به‌تدریج کاهش یافت. با این همه قبل از روی کار آمدن دوگراها این تغییرات جمعیتی فاحش نبود. با ورود انگلیسی‌ها و مسلط کردن دوگراها بر کشمیر توسط بریتانیا در سال ۱۲٦۳/نوامبر۱۸٤٦، به‌تدریج تغییرات جمعیتی محسوسی به ضرر مسلمانان اعم از شیعه و سنی اتفاق افتاد (Snedden, 110).

برخلاف ادعای برخی مورخان هندو، مقارن روی کار آمدن دوگراها، مسلمانان نه‌تنها در کشمیر بلکه در منطقه جمو نیز اکثریت مطلق بودند. فقط چند ناحیه در جمو، یعنی به‌طور خاص شهر جمو[1]، ادهمپور[2] و کتهوا[3] اکثریت هندو بودند. آن زمان جمو و کشمیر یک ایالت بزرگ با اکثریت ۷۷ درصدی جمعیت مسلمان بود (Lawrence,15)؛ و شیعیان حدود ۱۵ درصد از جمعیت مسلمانان را تشکیل می‌دادند. در اولین سرشماری رسمی در سال ۱۸۹۱ جمعیت کشمیر ۲٬۵٤۳٬۹۹۲ نفر بود (Kaul,123). در سرشماری سال ۱۹۰۱، این میزان با ۱٤ درصد افزایش به ۲٬۹۰۵٬۵۷۸ نفر رسید (Saraf, 15). در زمان سال ۱۹۱۱، جمعیت ایالت به ۳٬۱٦۱٬۳۲٤ نفر رسید که از این تعداد ۲٬۳۹۹٬۲۲۸ نفر مسلمان و ٦۹۱٬۷۲۲ نفر هندو بودند. جمعیت منطقه جمو نیز ۱٬۹۸۱٬٤۳۳ نفر بود که از این تعداد ۱٬۲۱۵٬٦۷٦ نفر مسلمان بودند (ibid, 49).

در سرشماری دولت در سال ۱۸۹۱، تعداد جمعیت شیعه و سنی به‌طور جداگانه ذکر نشده بود. همچنین در سال ۱۹٤۱، هنگامی‌که حکومت دوگرا به‌تدریج در جمو و

1. Jammu.
2. Udhampur.
3. Kathua.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.7]

کشمیر در حال زوال بود، جمعیت کل ایالت ٤،٠٢٣،١٨٠ نفر بود که از این تعداد مسلمانان ٣،١٠٢،٧٠٠ و غیرمسلمانان ٩٢٠،٤٨٠ نفر بودند. در این میان اهل سنت حدود ٨٥ درصد جمعیت مسلمانان را تشکیل می‌دادند و جمعیت شیعیان ١٥ درصد بود. آنچه به طرز معناداری اتفاق افتاد، تغییر در نسبت جمعیت مسلمانان در جمو بود. تغییر آمار جمعیتی جمو نشان می‌دهد که چگونه مسلمانان این منطقه، از جمله شیعیان، توسط حکومت دوگرا و سپس حکومت هند ظالمانه شکنجه و نسل‌کشی شدند و این اقدامات منجر به کاهش جمعیت آنها شد (Noorani, 32). بر اساس سرشماری سال ١٩٤١، استان جمو که شامل مناطق آزاد کشمیر امروزین نیز می‌شد، ١،٢١٢،٤٠٥ نفر (٦١،١٩٪) مسلمان و ٧٣٦،٨٦٢ نفر (٣٧،١٩٪) هندو داشت. در استان جمو مناطقی با اکثریت مسلمان وجود داشت که در سرشماری بعدی در سال ١٩٦١، وضعیت خیلی تغییر کرده بود. در استان جمو، حدود ١٢٣ روستا کاملاً خالی از سکنه شده بود (Dabla, 76). کاهش تعداد مسلمانان فقط در منطقه جمو بیش از ١٠٠،٠٠٠ نفر بود. برخی گزارش‌ها تعداد مسلمانان قتل‌عام شده را ٢٠٠،٠٠٠ نفر اعلام کرده‌اند (Kamili, 42). استیونس این رقم را ٥٠٠،٠٠٠ نفر و کریستوفر اسندن آن را ٦٠٠،٠٠٠ نفر گزارش کرده است (Snedden, 122). در نتیجه این نسل‌کشی میزان ٦١ درصد جمعیت مسلمان بخش جمو در سال‌های پایانی حکومت دوگرا به ٣٨ درصد کاهش یافت. شیعیان به اندازه سنی‌ها رنج کشیدند؛ زیرا نیروهای حکومت به دنبال نسل‌کشی مسلمانان اعم از شیعه و سنی بودند. بسیاری از شیعیان، که بیشتر سادات بودند و در مناطق جمو و پونچه زندگی می‌کردند، کشته شدند و برخی آواره و متواری شدند (Sufi, 284). شیعیان به دلیل ظلم و استبدادی که قبلاً در زمان حکومت مغولان و افغان‌ها متحمل شده بودند، خود را در مناطق کوچک دره کشمیر و جمو نظیر مظفرآباد محدود کرده بودند. در کشمیر، مناطق شیعه شامل شهرستان بدگام، زدیبل و سرینگر می‌شد. بدگام محل استقرار خانواده صفوی–موسوی بود و خانواده انصاری در زدیبل ساکن بودند. هر دو خانواده قبل و بعد از حکومت دوگرا در جامعه شیعیان کشمیر تأثیر گسترده داشتند. بسیاری از شیعیان ساکن بدگام و زدیبل آن دو خانواده را

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.7]

رهبران معنوی خود می‌دانستند (Lawrence, 284).

میر شمس‌الدین اراکی برای گسترش تشیع خانقاهی در زدیبل تأسیس کرده بود و به همین سبب آنجا مرکز فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی شیعه از دوره چک تا دوره دوگرا بود. البته در جمو هیچ منطقه‌ای خاص سکونت شیعیان نبود و آنها در کنار سنی‌ها زندگی می‌کردند (Roy, 124). گلگت منطقه‌ای با اکثریت شیعه بود. حاکمان دوگرا آن منطقه را نیز طبق معاهده امرتسر از بریتانیا خریداری کرده بودند، ولی به‌سبب نفوذ روس‌ها نتوانسته بودند در آنجا پایگاهی داشته باشند (Lamb, 50). در لداخ، مردم بلتی‌زبان کرگل همگی شیعه بودند و شاید این تنها منطقه با اکثریت شیعه در این ایالت بود (Dar, 36).

۲. جابجایی جمعیتی

در حکومت‌های قبل از دوگرا، مناطقی مانند مدین صاحب، زدیبل و حسن‌آباد در سرینگر، زیناگیر در سوپور و احمدپورا در بارهملا به مناطق برجسته شیعه تبدیل شده بودند. با گذشت زمان، مجموعه‌های بیشتری از شیعه به کشمیر آمدند. دلایل مختلفی برای ورود این جمعیت‌ها به کشمیر وجود داشت. برخی از خانواده‌های شیعه توسط دوگراها به‌عنوان اسیر آورده شده، در حالی‌که برخی برای کار آمده بودند. برخی از این شیعیان فقط برای مدت کوتاه و بسیاری به‌طور دائم مستقر شدند (Hakim, 89) و به‌تدریج آن مناطق شیعه‌نشین شد. برخی از خانواده‌های شیعه که در دوره دوگرا در کشمیر جابجا شدند به شرح زیر است:

۲.۱. بوتاراجاها

یکی از تیره‌های برجسته شیعه امامیه ساکن کشمیر خاندان بوتاراجا ساکن سرینگر است. این خانواده در اصل متعلق به منطقه نگر در گلگت (امروزه در پاکستان) بودند. جد آنها در کشمیر، عزار خان، رئیس قبیله نگر به‌شمار می‌رفت. نگر منطقه کوچکی در نزدیکی دره گلگت بود. عزار خان توسط دوگراها اسیر شد و به همراه قبیله خود به سرینگر منتقل و در قلعه هری پربت در سرینگر زندانی شد. او در زمان حکومت هاری

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.7]

سینگ، آخرین حاکم سلسله حکومت دوگرا آزاد شد و عـزار خـان تصـمیم گرفـت در همان منطقه بماند. بدین ترتیب فرزندان او نیز در کشـمیر ماندنـد و بـه‌عنوان بوتاراجـا شناخته شدند. آنها با لهجه نگری در میان خود صـحبت می‌کردنـد، و زبان‌هـای اردو و کشمیری هم بلد بودند. آنها در نوشتار از حـروف فارسـی و عربـی اسـتفاده می‌کردنـد (Khan, *The History of Jammu, 2/635*).

۲.۲. مقپون راجاها

مقپون راجاها یک سلسله معروف از حاکمـان شـیعه در بلتسـتان بودنـد. زمـانی کـه آخرین پادشاه سلسله شکر گیالفو درگذشت، تنها یک دختر به نام شاکاری از او بـه‌جـا ماند. چهار وزیر تأثیرگذار برای ازدواج با او با یکدیگر نزاع کردند. در آن زمان (حـدود ۱۲۲۰–۱۱۹۰) غریبه‌ای به نام ابراهیم از کشمیر وارد سکردو شد. این مرد شهرت خوبی داشت و سرانجام با دختر پادشاه ازدواج کرد و خود هـم پادشـاه شـد. او را مقپـون یـا رئیس ملت نامیدند (Hakim, 161). پس از ابراهیم، بسیاری از اعضـای خـانواده وی در این منطقه حکومت کردند که برجسته‌ترین آنها علی شیرخان بـود. فرزنـد شـیرخان، احمد شاه، که در سال ۱۸۰۰ جانشین وی شد، یک حاکم قدرتمند بـود. در سـال ۱۸۳٤ حاکم این سلسله راجا احمد شاه بود که تا سال ۱۸٤۰ حاکم سکردو به‌شـمار می‌رفـت. در آن سال حاکم دوگرا، گلاب سینگ، فرمانده نظـامی خـود، زوراور سـینگ را مـأمور لشکرکشی به گلگت کرد تـا آن منطقـه را بـه تسـلط حکومـت دوگـرا درآورد (ibid, 167). پس از مدتی مقاومت، سرانجام ارتش بـزرگ دوگـرا احمـد شـاه را مجبـور بـه تسلیم کرد. بدین ترتیب حکومت خاندان مقپون راجاهـای شـیعه در بلتسـتان بـه پایـان رسید. دوگراها بعد از مصادره ثروت عظیم این خاندان، احمد شاه را به همـراه اعضـای خانواده خود به جمو تبعید کردند و سپس آنها را از جمو به کشتوار فرسـتادند و احمـد شاه در همان‌جا درگذشت. پس از مـرگ وی، دیگـر اعضـای خـانواده توسـط مقامـات دوگرا به کشمیر آورده شدند. مکانی که آنها در زدیبل اقامت کردنـد، معـروف بـه بوتـا چهاونی شد. آنها در زدیبل با مردم محلی ارتباط برقرار کردند. بیشتر مـردم آنجـا شـیعه

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.7]

بودند از این‌رو حاکم دوگرا برای قطع این ارتباطات، خانـدان احمـد شـاه را بـه منطقـه گگریبل در تپه زبرون منتقل کرد و پس از مدتی به منطقه ترال منتقل شـدند و همچنـان در آنجا سکونت دارند. آنها از نظر مذهب شیعه و از لحاظ طایفه‌ای بلتـی هسـتند. آنهـا زبـان بلتـی و میـراث فرهنگـی و روش منحصـربه‌فرد خـود را بـه‌ویژه در بزرگداشـت محرم‌الحـرام حفـظ کردنـد. برخـی از اعضـای قبیلـه از مرثیه‌سـرایان بـزرگ هسـتند و نوحـه‌هایی بـا ظرافت‌هـای ادبـی بسـیار چشـمگیر در مـورد واقعـه کـربلا سـروده‌اند (Hakim, 169).

۲.۳. سایر خانواده‌های شیعه

در دوره حکومت دوگرا، به نقل از حکیم امتیاز حسـین، شـیعیان بسـیاری در ادارات دولتی و نظامی کار می‌کردند. بیشتر اینها از مظفرآباد، گری حبیب‌الله، ابت‌آبـاد، پونچـه، میرپور، بدیال جمو، سـامبا، راجـوری، رنبیـر سـینگ پـورا، ادهمپـور، گلگـت، آسـتور، سکردو، کرگل، لداخ و غیره جابجا شده بودند. لذا بیشتر آنها شیعیان غیربومی بودنـد و از فرهنگ و سنن خود پیروی می‌کردند و مشکلات و چالش‌های آنها بـا کشـمیری‌های محلی متفاوت بود. به همین‌رو آنها تصمیم گرفتنـد در سـال ۱۸۸٦ اتحادیـه‌ای تشـکیل دهند تا بر ایـن مشـکلات غلبـه کننـد. آنهـا درصـدد پـرداختن بـه موضـوعاتی ماننـد بزرگداشت محرم، قبرستان جداگانه و سایر موضوعات مرتبط بودند. مهم‌ترین افراد این اتحادیه ژنرال سید غلام علی شاه، سبیدار سید کرامت علی شـاه، سرلشـکر سـید ظهـور حسین شاه، کاپیتان سید غضنفر علی شاه، سید ظهور حسین شاه (اداره آذوقـه‌ها)، سـید ظهور حسین شاه (مدرس دانشکده شری پرتاب، سرینگر)، اسـتاد لعـل خـان و سـپهبد سید فقیر علی شاه بودند. آنها در سـال ۱۹۲۵/۱۳٤٤ سـازمانی بـه نـام «انجمـن امامیـه» تشکیل دادند. پیش از مرگ یا نقل‌مکان مقامات اصلی بنیان‌گـذار بـه خـارج از کشـمیر، این انجمن حدود ۱۰ سال عملکرد خوبی داشت. آنها در سال ۱۹٤۰ مجدداً جمع شدند تا انجمن دیگری به نام «انجمن حسینی» تشکیل دهنـد. یکـی از اعضـای سـازمان، فـدا حسنین، دانشمند، مورخ و نویسنده مشهور بود (Hakim, 61-62).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.7]

۳. تحولات جمعیتی در مناطق شیعه‌نشین

در حکومت دوگرا به‌سبب سرکوب و کوچ اجباری، تنوع مناطق شیعه‌نشین بیشتر شد. در زمان حکومت مغول، افغان و سیک، مناطقی همچون احمدپورا، زدیبل، نمچبل، پاندریتهن، حسن‌آباد و مدین صاحب به مناطق برجسته شیعه‌نشین در کشمیر تبدیل شدند. در دوره دوگرا نوادگان سید حیدر قلندر (خاندان موسوی) در پاتلی پورا و چهتابل سرینگر ساکن شدند. آنها یک قرآن منسوب به امام موسی کاظم۷ را به همراه داشتند. از شخصیت‌های برجسته این خانواده در چهتابل می‌توان به آقا سید سلیمان موسوی، مولانا مولوی سید سعید موسوی و آقا سید حکیم عبدالله موسوی اشاره کرد. با توجه به تلاش این دانشمندان فرهیخته، پاتلی پورا به یکی از مراکز مهم شیعه در سرینگر تبدیل شد. اعضای این خانواده در گورستان اجدادی خود در پاتلی پورا دفن می‌شدند. این منطقه حتی امروزه نیز از مراکز مهم شیعه کشمیر به‌شمار می‌رود و بیشتر با انجمن اتحاد المسلمین به سرپرستی مولانا محمد عباس انصاری در ارتباط است. این منطقه اخیراً سجادآباد نامیده می‌شود و نوحه‌خوانان و مرثیه‌سرایان سرشناسی دارد. همچنین پیاده‌روی اربعین نیز در آنجا با شور و نشاط خاصی برگزار می‌شود (Hakim,2/25 همچنین نک. متو، ۳٤۷).

اوری[1] از شهرهای مهم منطقه بارامولا[2] در کشمیر است. در دوره دوگرا، برخی از خانواده‌های کاظمی و نقوی از پنجاب به کشمیر آمدند و در اوری ساکن شدند. پایگاه اصلی آنها کمال کوت[3]، محل پیر سخی رنگی امام پادشاه[4] بود که مورد احترام این سادات بود. با گذشت زمان، آنها در مناطقی دیگر مانند قاضی پورا[5]، نورکها[6]، گنگل[7]، دهنی‌سیدان[8]، پرنپیلا[9]، چولان‌خالصان[10]، شاهداره[11]، سری باندی[12]، کنچن[13]، ادوسا[14]،

1. Uri.
2. Baramulla.
3. Kamal Kote.
4. Pir Sakhi Rangi Imam Badshah.
5. Qazi Por.
6. Norkha.
7. Gingal.
8. Dhanni-Saidan.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.7]

اشم[1]، جبلاه[2]، بجهاما[3]، لچهی پورا[4]، فلی پورا[5] و سلام‌آباد نیز ساکن شدند. چهره‌های برجسته آنها سینی جوت علی، سینی شربت حسین، سینی غلام حسین و دیگران بودند. در ابتدا، آنها تقیه می‌کردند اما بعداً آشکارا ایمان خود را نشان دادند. تا سال ۱۹۷۰ آنها مراسم محرم‌الحرام را به‌طور پنهانی در خانه‌های خود انجام می‌دادند، اما پس از آن، به‌صورت علنی عزاداری را برپا کردند. مساجد و امامباره‌هایی نیز توسط آنها ساخته شده و امروز حدود ٤٠ مسجد در این منطقه وجود دارد. در کمال کوت یک امامباره بزرگ و چند امامباره کوچک‌تر در قاضی پورا، نورکها و گنگل وجود دارد (Hakim,2/33).

در کرناه[6]، شیعیان عمدتاً در دهکده کوچکی در حدود ۱۰ کیلومتری دفتر مرکزی ناحیه به نام روستای گندی سیدان[7] ساکن بودند. اعتقاد بر این است که سادات از مشهد ایران حدود ۱۰۰ سال پیش و در دوره حکومت دوگرا به این منطقه آمدند. آنها ابتدا در سید کسران[8] (واقع در پاکستان امروزی) ساکن شدند و از آنجا به اوری[9] کشمیر مهاجرت کردند. برخی از آنها از اوری به کرناه آمدند و برای همیشه در آنجا مستقر شدند. گفته می‌شود که همه آنها شیعه بودند اما با گذشت زمان برخی از آنان هویت خود را از دست دادند. امروزه فقط ١٦ خانواده از گندی سیدان آشکارا اعتقاد به مذهب

9. Paranpeela.
10. Choolan-Khalsan.
11. Shahdara.
12. Siri Bandhi.
13. Kanchan.
14. Adosa.
1. Isham.
2. Jabla.
3. Bijhama.
4. Lachhipora.
5. Phalipora.
6. Karnah.
7. Gundi Sayidan.
8. Syed Kasran.
9. Uri.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.7]

شیعه دارند. سایر شیعیان از پینگلا هریدل[1]، پنج تران[2]، کندی[3] و چمکوت[4] هستند. شیعیان گندی سیدان اکثراً سادات کاظمی بوده و در روستای خود امامباره ساخته‌اند و در آنجا مراسم محرم را برگزار می‌کنند (Hakim, 2/32).

تأثیر سیاست‌های سلسله دوگرا در تحولات اجتماعی شیعیان

آثار تاریخی مربوط به دوره دوگرا در کشمیر تعامل بین طبقات (کاست‌ها) را به‌خوبی نشان می‌دهد. برخی از کاست‌ها بر اساس وضع اجتماعی و اقتصادی خود برتر از دیگران بودند. برخی از کاست‌ها نیز توسط شغل خود تعریف می‌شدند. از آنجا که بیشتر مسلمانان جمو و کشمیر از ادیان هندو و بودایی به اسلام گرویده‌اند، بیشتر آنها همان نام خانوادگی قبلی خود را داشتند که دلالت بر وابستگی به کاست (طبقه) آنها داشت. نویسنده بهاتاچاریا می‌گوید، از نظر عقیدتی هیچ سیستم کاستی در بین مسلمانان وجود نداشت، اما آنها اسامی کاست‌ها را پذیرفتند، زیرا قبلاً از کاست‌های مختلف هندو بودند (Bhattacharya, 45). سیستم کاست در بین هندوها بسیار سخت‌گیرانه بود، در حالی‌که در بین مسلمانان از انعطاف برخوردار بود. به همین دلیل گفته می‌شود در کشمیر، کاست‌ها فقط با نام خانوادگی تعریف می‌شدند و به ایدئولوژی و طرز تفکر مرتبط نبودند. لذا در بین مسلمانان کشمیری، اسامی مربوط به کاست‌های متفاوت هندو زیاد دیده می‌شود مانند راتهر[5]، متو[6]، دار[7]، بت[8] و غیره که همه این‌ها در اصل از کاست‌های هندوی کشمیری (پاندیت‌ها) هستند. این موضوع هم برای اهل سنت و هم برای شیعیان صدق می‌کند و افرادی که دارای این نام‌های کاستی هستند در هر دو فرقه یافت می‌شوند (Drew, 319).

1. Pingla Haridal.
2. Panj Taran.
3. Kandi.
4 .Chamkote.
5. Rathore.
6. Mattoo.
7. Dar.
8. Bhat.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.7]

در طبقات کشمیر، یک عرف کلی برای ازدواج وجود داشت (Drew, 312). طبقات غالب مانند سیدها و پیرزاده‌ها و غیره در خارج از طبقه خود ازدواج نمی‌کردند. با این‌حال، افزایش استانداردهای اقتصادی اغلب منجر به تغیراتی در طبقات شد. کاست پایین‌تر با درآمد خوب، از فرصت‌های اجتماعی و موقعیت‌های ازدواج بهتر برخوردار می‌شد. بهبود در وضع اقتصادی، برچسب کاست پایین را از نام آنها حذف نمی‌کرد. یک «گور»[1] حتی اگر به‌عنوان یک مقام ارشد در یک بخش دولتی استخدام می‌شد، همچنان یک گور باقی می‌ماند. یک «خار»[2] حتی اگر به یک تاجر بزرگ تبدیل می‌شد، یک خار باقی می‌ماند. این نام‌های کاستی در بین شیعیان رایج بود (Lawrence, 285). به گفته مدن، مسلمانان کاست برتر با کاست‌های پایین با احترام رفتار نمی‌کردند. آنها از مجامع عمومی خارج می‌شدند. همه این‌ها منجر به تفاوت این جوامع می‌شد. هم‌اکنون نیز آنها در مناطق مسکونی جداگانه‌ای در بخش‌های مختلف کشمیر زندگی می‌کنند. آنها در مکان‌هایی مانند شیخ‌پورا[3]، دمب‌محله[4]، هانج‌محله[5]، تل‌محله[6]، دانگرمحله[7]، هفت‌محله[8] و غیره یافت می‌شوند. بسیاری از این مناطق در سراسر کشمیر در دست شیعیان است (Lawrence, 285). البته در این دوره در جمو، شیعیان به‌طور گسترده‌ای به کاظمی، جعفری، رضوی، علوی و شاه تقسیم می‌شدند. برخی از کاست‌ها مانند سید، کاظمی، شیخ، جعفری و حمدانی خود را بالاتر از مسلمانان راجپوت می‌دانستند (Badawi & Hassnain, 36). در کرگل، که اکثریت با شیعیان بود، هیچ تفاوت کاستی توسط مورخان گزارش نشده‌است.

شیعیان کشمیر در دوره دوگرا، روابط فامیلی نزدیکی داشتند. آنها با هم زندگی می‌کردند و خانواده‌های مشترک داشتند. در آن دوره زبان و ادبیات کشمیر نیز دچار

1. Gur.
2. Khar.
3. Sheikhpora.
4. Damb Mohalla.
5. Hanj Mohalla.
6. Tel Mohalla.
7. Dangar Mohalla.
8. Haft Mohalla.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.7]

تحولاتی شد. مردم کشمیر به زبان کشمیری، فارسی، دوگری[1]، گوجری[2]، تبتی[3]، شینا[4]، بلتی[5]، اردو و پنجابی صحبت می‌کردند (Saraf, 112). شیعیان کشمیر به زبان کشمیری و فارسی و اردو صحبت می‌کردند و می‌نوشتند. شیعیان در لداخ به زبان بلتی صحبت می‌کردند، که متعلق به خانواده زبان‌های تبتی-چینی است. کشمیری‌ها برای نوشتن از رسم‌الخط اردو فارسی استفاده می‌کردند (Vigne, 151). یک سیاح بریتانیایی، به نام گودفری توماس وین[6]، در بازدید از کشمیر در سال ۱۸۳٦، نوشته زبان کشمیری از فارسی (٤٠٪)، سانسکریت (۲۵٪)، اردو (۱۵٪) و عربی (۱۰٪) تشکیل شده‌است. در دره کشمیر، بر اساس سرشماری سال ۱۹٦۱، ۵۳.۳ درصد مردم به زبان کشمیری صحبت می‌کردند. امروزه در کشمیر تحت تسلط پاکستان زبان اصلی شهرهایی مانند مظفرآباد، میرپور و پونچه زبان پنجابی است (Saraf, 116).

۳ـ تأثیر متقابل حاکمیت دوگرا و خاندان‌های شیعی

در دوره حکومت دوگرا در کشمیر، بسیاری از خانواده‌های برجسته شیعه به شکل فعال درگیر موضوعات اجتماعی و سیاسی بودند. در حالی‌که برخی نزدیک به حکومت دوگرا قلمداد می‌شدند و از مزایایی از جانب حکومت برخوردار بودند، برخی دیگر از مخالفان سرسخت آن بودند. در ادامه به‌طور مختصر به برخی خانواده‌های برجسته شیعی در آن دوره اشاره می‌شود:

۱. قزلباش[7]

قزلباش‌ها در نام خود از لفظ «آغا» استفاده می‌کردند. در اواخر دهه ۱۸۳۰، پس از اولین جنگ بریتانیا و افغانستان، آقا رحیم قزلباش از قندهار به کشمیر مهاجرت کرد.

1. Dogri.
2. Gojri.
3. Tibetan.
4. Shina.
5. Balti.
6. Godfrey Thomas Wein.
7. Qizilbash.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.7]

اجداد وی از فرماندهان نیروهای سلطنتی نادرشاه و قبل از آن از فرماندهان ارتش صفویه بودند. این خاندان در قرن سیزدهم و چهاردهم در آناتولی ساکن بودند (سومر، ٥٦). خاندان قزلباش کشمیر به سلسله دوگرا نزدیک بودند و بسیاری از اعضای این خانواده موقعیت‌های مهمی در حکومت داشتند؛ از همین‌رو در نظر مردم از احترام زیادی برخوردار نبودند. برخی از افراد برجسته این خانواده که از نظر سیاسی فعال بودند عبارتند از آقا محمدصادق قزلباش، که در خزانه‌داری دولت کار می‌کرد و بعد با مسلم لیگ ارتباط نزدیکی داشت. آقا شوکت علی از دیگر اعضای این خانواده بود که از خدمات حکومت استعفا داد و عضو مسلم لیگ شد. خان بهادر آقا سید حسین تاکور از چهره‌های برجسته سیاسی این خانواده بود که وزیر و عضو افتخاری پرجا سبا[1] (هیئت سنا حکومت دوگرا) در زمان هری سینگ بود و با محمدعلی جناح رهبر استقلال پاکستان ارتباط داشت. افراد برجسته قزلباش نظیر نواب آقا ناصر علی‌خان از لاهور و نواب آقا نوازش علی، رئیس تیره قزلباش، کوشیدند برای شیعیان زدیبل که در خشونت‌های فرقه‌ای سال ۱۸۷۲ متحمل خسارات سنگینی شده بودند، کمک‌های مالی ارسال کنند (Lamb, 27). آقا محمدباقر قزلباش، پزشک ارشد و وزیر بهداشت حکومت دوگرا (رنبیر سینگ)، در این مسئله نقش اساسی داشت. قزلباشان سعی می‌کردند نمایندگی مسلمانان شیعه را در خدمات‌رسانی دولت بر عهده بگیرند. بر همین اساس، در سال ۱۹٤۳، هنگامی‌که هری سینگ از تشکیل کمیسیونی برای بررسی کارکرد قانون اساسی و شرایط اجتماعی و اقتصادی مردم خبر داد، آقا شیرعلی یکی از اعضا و نماینده جامعه شیعه شد. از نحوه تعاملات خانواده قزلباش این‌طور برداشت می‌شود که آنان استیفای حقوق مسلمانان هند را در تأسیس کشور خاص مسلمانان شبه‌قاره قبول داشتند.

1. Parja Saba.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.7]

۲. جلالی

یکی دیگر از خانواده‌های برجسته اجتماعی – سیاسی شیعه در این دوره، خانواده جلالی از زدیبل سرینگر بودند که یکی از دژهای شیعیان کشمیر محسوب می‌شدند. این خانواده برای رفاه جامعه شیعیان در کشمیر بسیار تلاش کردند و برای آزاد شدن کشمیر از سلطه حکومت دوگرا فعالیت‌های مهمی انجام دادند. آقا سید صفدر شاه جلالی شخصیت برجسته کشمیر از این خانواده بود. او در بین مردم طرفداران بسیار خوبی داشت و گروهی را به نام «حزب صفدر شاه» رهبری می‌کرد. این حزب ده‌ها سال از اهداف مسلمانان شیعه کشمیر حمایت کرد (Hakim, 2/24). شخصیت دیگر این خاندان آقا سید حسین شاه جلالی بود که مشهورترین سیاستمدار شیعه دوره خودش محسوب می‌شد. قبل از بازگشت شیخ محمد عبدالله از دانشگاه مسلم علیگر و پیوستن به سیاست در کشمیر، جلالی در خط مقدم نهضت سیاسی کشمیر بود. وی همچنین اولین مؤسسه آموزشی مدرن را تأسیس کرد که به دست یک شیعه تشکیل شده بود. این مؤسسه به دبیرستان امامیه معروف شد (Hakim, 2/25). او همچنین «خانه جلالی» را در زدیبل تأسیس کرد که الگویی از معماری کلاسیک ایرانی است. و بسیاری از فرمانداران بریتانیا در زمان حکومت دوگرا از این خانه تاریخی بازدید کرده‌اند (ibid, 1/158). همچنین پسر سید حسین شاه جلالی، سید محمد جلالی، اولین مسلمانی بود که به‌عنوان نماینده مسلمانان در مجلس عالی پارلمان هند معرفی شد. پس از مرگ وی، تأثیر خانواده جلالی در سیاست کشمیر کاهش یافت؛ البته میراث‌دار خانواده، سید حسین شاه جلالی تا سال ۱۹۲۳ زنده بود (Haider, 89).

۳. انصاری

این خانواده معروف به «فرقه قدیم»، در امور اجتماعی، سیاسی و مذهبی فعال بوده و هزاران پیرو در سراسر کشمیر داشت. بنیان‌گذار این سلسله ملاعالم انصاری بود که به همراه سید حسین رضوی قمی در زمان سلطنت زین‌العابدین پادشاه به کشمیر رسید و در سوپور ساکن شد (حسینی، ٧٤). از زمان ملاعالم انصاری، این خانواده در امور اجتماعی و مذهبی کشمیر فعال بودند. با این‌حال، در دوره حکومت دوگرا، درگیر

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.7]

سیاست شدند. در دوره حکومت دوگرا، نماینده معروف خانواده انصاری مولانا جواد انصاری، فرزند ملاحیدر علی انصاری بود که از روحانیون ممتاز به‌شمار می‌آمد. او ریاست انجمن شیعیان کشمیر را که برای رفع اختلافات دو گروه بین شیعیان در دوره دوگرا شکل‌گرفته بود، بر عهده گرفت (Munshi, 7). از آن زمان، انجمن شیعه کشمیر با خانواده انصاری شناخته شد، زیرا پسر مولانا جواد انصاری، مولانا افتخار حسین انصاری، جانشین وی و در سال ۱۹۵۷ رئیس این انجمن شد (Haider, 92). خاندان انصاری در دوره دوگرا به میر واعظ محمد فاروق، روحانی ارشد سنی در کشمیر، نزدیک بودند. برخلاف خاندان انصاری، خانواده جلالی به شیخ محمد عبدالله، اولین وزیر ارشد جمو و کشمیر، نزدیک بودند این معادله پس از ارتحال مولانا جواد انصاری تغییر یافت، زیرا پسرش افتخار انصاری از خانواده میر واعظ فاصله گرفت. خانواده انصاری از ادغام کشمیر با هند حمایت می‌کرد و خانواده میر واعظ طرفدار «استقلال» کشمیر بود (Hakim, 158).

نتایج تبعیض دوگراها علیه مسلمانان به‌طور عام و شیعیان به‌طور خاص

در دوره حکومت دوگرا، تبعیض و تعصب شدید مذهبی بر ضد مسلمانان کشمیری شکل گرفت و مساجد، زیارتگاه‌ها و حسینیه‌های آنها توسط دولت غصب شد. فداحسنین برخی از این اماکن مانند پتهرمسجد[1]، خانقاه‌سوخته[2]، خانقاه بلبل شاه[3]، حرم مدین‌صاحب[4] و مسجد مال‌شاه[5] را نام برده است (Hassnain, 45).

حاکمان دوگرا برای تضعیف و تفرقه مسلمانان بسیار تلاش کردند. بر اثر همین سیاست‌ها، مسلمانان پنجابی با مسلمانان احمدیه مشکل داشتند. همچنین بین شیخ‌عبدالله و میرواعظ فاروق شکاف به‌وجود آمده بود. شیعیان و سنی‌ها نیز همراهی نداشتند (Yasin and Rafiqi, 92). این سختی‌ها مسلمانان را بیدار کرد و از هویت

1. Pathar Mosque.
2. Burned Khanqah.
3. Khanqah Bulbul Shah.
4. Haram Madin Sahib.
5. Masjid Mal Shah.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.7]

متمایزشان آگاه ساخت. سیاست سرکوب‌گرانه حاکمان دوگـرا منجـر بـه درگیـری بـین هویت مسلمان کشمیری و حاکمان دوگرا شد. این امر باعث شد تا در ذهن مـردم میـل شدید به آزادی ایجاد شود و تأییـد مجـدد هویـت مسـلمان کشـمیری یـک ضـرورت تاریخی شمرده شود (Chowdhary, 51). سرانجام مسـلمانان کشـمیری بـا حمایـت دانشمندان مسلمان، روحانیت، تجار، صنعتگران و دهقانان، زیر پـرچم مسـلم لیـگ[1] در سال ۱۹۳۲ گرد هم آمدند. وظیفه مهم این مجمع برانگیختن آگـاهی اکثریـت مسـلمانان کشمیری بود. سیاست‌های حزبی حاکمان دوگرا به تعصبات مذهبی نسبت داده می‌شـد؛ از این‌رو مسلمانان کشمیری سعی کردند تا رنج‌های مسـلمانان در طـول تـاریخ، تحـت حاکمیت افراد بیگانه غیر کشمیری را بازگو کنند (ibid).

در تاریخ کشمیر دوگانگی‌ها همیشـه چـالش برانگیـز بـود ولـی دیـن و سـرزمین از مؤلفه‌های انسجام‌بخش کشمیر بود (Rai, 3). در آن دوره، نمادهای مذهبی برای بسیج جامعه مسلمانان انتخاب شدند. در اعتراض نسـبت بـه بی‌عـدالتی‌ها شـعارهای مـذهبی مانند «مسلمان توسط اقلیت هندو مورد ستم واقع‌شده‌اند»، «ناره تکبیر الله‌اکبـر»، «اسـلام در خطر است» پدیدار شد (Behera, 73). این تحرکات برای بـرانگیختن احساسـات مذهبی مسلمانان کشمیر در نهایت منجر به ایجاد هویت مشترک اسلامی در بین سـنی‌ها و شیعیان شد. این هویت در اواخر قرن نوزدهم کـه حکومـت بـا آزار و اذیـت آنهـا را وادار به ترک کشـمیر کـرد، برانگیختـه شـد (Rafiabadi, 267). بـا لغـو ممنوعیـت مهاجرت، ده‌ها هزار نفر از مردم شهرها و روستاهای کشـمیر بـه دلیـل مالیـات شـدید، تبعیض مذهبی، قحطی و بیماری‌های همه‌گیر ترک وطن کردند. افراد مهاجر در منـاطقی مانند هزاره، راولپندی، دلهوسی[2]، شملا[3]، سیالکوت[4]، لاهور، امرتسار[5]، لدهیانا[6]، جهلـم[7]،

1. Muslim Conference.
2. Dhaluusi.
3. Shamla.
4. Sialkot.
5. Amritsar.
6. Ladhianna.
7. Jhelum.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.7]

ریاسی[1]، پونچه[2]، دهلی، پتنا[3]، مدرس، بمبئی، کلکته، لکهنو و بنگلور[4] ساکن شدند. ایـن مهاجرت به حدی زیاد بود که بر اسـاس گـزارش سرشـماری پنجـاب در سـال ۱۸۹۱، ۱۱,۷۷۵ مسلمان متولد کشمیر تنها در پنجاب سـاکن بودنـد. بسـیاری از ایـن مهـاجران شیعه امروزه در شهرهای مختلف پاکستان حضور دارنـد و در کشـمیر زنـدگی می‌کننـد (Hussain, 41).

1. Riashi.
2. Poonch.
3. Patna.
4. Bangalore.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.7]

نتیجه

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که با تسلط دوگراهای هندو مذهب بر منطقه با اکثریت مسلمان، شرایطی بی‌سابقه در تاریخ پیش از استقلال هند شکل گرفت که مطالعه آن برای فهم تعاملات و تعارضات میان گروه‌های مذهبی، قومی و اجتماعی ضروری است. شیعیان کشمیر در این دوره با تبعیض‌های اجتماعی گسترده و نظام‌مند مواجه شدند. حکومت دوگراها با اتخاذ سیاست‌هایی همچون تغییرات نامتناسب جمعیتی، جابه‌جایی‌های اجباری و اعمال فشارهای اقتصادی و فرهنگی به تضعیف هویت مذهبی و اجتماعی شیعیان پرداخت. این اقدامات نه‌تنها موجب کاهش جمعیت شیعیان در برخی مناطق شد، بلکه تلاش‌های آنان برای حفظ سنت‌ها و آیین‌های مذهبی را نیز با چالش‌های جدی مواجه ساخت. با وجود این، شیعیان کشمیر با تکیه‌بر انسجام درونی و هویت مذهبی در برابر این فشارها مقاومت کردند. تشکیل انجمن‌ها و سازمان‌های مذهبی و اجتماعی، حفظ و احیای سنت‌ها و آیین‌های شیعی و تلاش برای همگرایی عملی با اهل سنت از جمله اقداماتی بود که آنان در پیش گرفتند. مشارکت شیعیان در مبارزات سیاسی علیه حکومت دوگرا و استعمار انگلیس، نشان‌دهنده نقش مؤثر آنان در تحولات تاریخی منطقه است. آنان با ایستادگی در برابر سیاست‌های تفرقه‌افکنانه به همبستگی ملی و مذهبی کمک کرده و در تضعیف حاکمیت دوگراها در آستانه استقلال هند سهم بسزایی داشتند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.7]

منابع

– بدگامی، علی، «کشمیر چگونه و به چه قیمتی فروخته شد؟» تسنیم، ۲۵ اسفند ۱۳۹۷؛ Retrieved Jun. 15, 2025, from https://www.tasnimnews.com/fa/news/1397/12/25/1969724

– حسینی کشمیری، محسن، دانشنامه شیعیان کشمیر، کراچی، مرکز احیاء آثار بر صغیر، ۲۰۱۱.

– سومر، فاروق، نقش ترکان آناطولی در تشکیل و توسعه دولت صفوی (مجموعه پژوهش‌های تاریخ)، ترجمه احسان اشراقی و محمد تقی امامی، ۱۳۷۱ش.

– شیخ محمد عبدالله، آتش چنار، کشمیر، علی محمد اینڈ سنز، سرینگر، ۱۹۸٦.

– متو، غلام محمد، شیعیان کشمیر (از آغاز تا دوره معاصر)، قم، مجمع جهانی شیعه شناسی، ۱۳۹۱ش.

– کایهامی، غلام حسن شاه، تاریخ کشمیر (تاریخ حسن)، ترجمه اردو از شمس‌الدین احمد، سرینگر، جمو و کشمیر کلچرل آکادمی، ۲۰۰۳.

– همداني، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، کشمیر، امام حسین ریسرچ اینڈ پبلشنگ سنتر سرینگر، ۱۹۸۷.

– Badawi, Abdolfatteh and Fida Hassnain, *The Sufi Alchemy of Peace*, Srinagar, Gulshan Books, 2005.

– Bamzai, Prithivi Nath Kaul, *Culture and political history of Kashmir*, Hardcover – January, M.D. Publications. Publication date, January 1, 1994.

– Bazaz, Prem Nath, *Inside Kashmir*, Srinagar, Kashmir Publishing House, 1941.

– Behera, Navnita Chadha, *State Identity and Violence: Jammu, Kashmir and Ladakh*, New Delhi, Manohar Publishers, 2000.

– Bhattacharya, Bhabhani, *So Many Hungers,* New Delhi, Orient Paperbacks, 1978.

– Chowdhary, Rekha, *Jammu and Kashmir: Politics of Identity and Separatism,* London, Routledge India, 2015.

– Dabla, B.A., "Sociological Dimensions and Implications of the Kashmir Problem", in *Parchment of Kashmir: History, Society, and Polity*, edited by Nyla Ali Khan, p179-210, New York, Palgrave Macmillan, 2012.

– Dar, Ghulam Mohuiddin, *Kargil, Its Social, Cultural and Economic History,* New Delhi, Dilpreet Publishing, 1999.

– Drew, Frederic, *The Jummoo and Kashmir Territories: A Geographical Account,* London, Edward Stanford, 1875.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.7]

– Haider, Mansoor, *Shi'ism in Kashmir: Inception, Impact and Influence,* Srinagar, [Self-published], 2017.
– Hakim, Imtiyaz Hussain, *The Shi'as of Jammu & Kashmir: The History of Shi'ism in Kashmir (1324-1947),* Vol 1 & 2, Kashmir, Srinagar Publishing House, 2017.
– Hassnain, Fida Mohammad, *Freedom Struggle in Kashmir,* Delhi, Rima Publishing House, 1988.
– Hussain, H. I., *The Shi'as of Jammu & Kashmir: The history of Shi'ism in Kashmir—An analytical study of the Shi'a community in the state of Jammu & Kashmir from 1324 to 1947 A.D*, Vol. 1, Srinagar Publishing House, 2017.
– Hussain, Altaf, *The Wounded Paradise,* Self-published, 1991.
– Kamili, M. H, *Census atlas of Jammu and Kashmir: Indian official census report (1961)*, Government of India, 1964.
– Kaul, Gwasha Lal, *Kashmir Through the Ages, 5000 BC to 1965 AD: A Historical Survey,* San Francisco: Chronicle Publishing, 1963.
– Khan, Mohammad Ishaq, *History of Srinagar (1846-1947): A Study in Socio-Cultural Change*, Kihan Manuscript Publishing Sharada, 1990.
– Khan, Mohammad Saleem, *The History of Jammu & Kashmir, 1885–1925*, Gulshan Publishers, 2002.
– Knight, E.F., *Where Three Empires Meet: A Narrative of Recent Travels in Kashmir,* Western Tibet, Gilgit, and Adjacent Countries, Scanned copy in the Rare Books section of the Indian Culture Portal, 1896.
– Korbel, Josef, *Danger in Kashmir*, London, Princeton University Press, 1954.
– Lamb, Alastair, *Kashmir: A Disputed Legacy1990-1846,* Hertingfordbury (Hertfordshire), Roxford Books, 1991.
– _____, *Birth of a Tragedy: Kashmir,* London, Roxford Books, 1994.
– Lawrence, Walter, *The Valley of Kashmir,* London, Oxford University Press, 1895.
– Lord, Birdwood, *Two Nations and Kashmir*, London, Collection: digitallibraryindia; JaiGyan, 1936.
– Markovits, Claude, *A History of Modern India 1480-1950,* Cambridge, Cambridge University Press, 2002.
– Munshi, Ghulam Hassan, *The Events That Shaped the History of Kashmir,* Greater Kashmir, 2006.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.7]

– Noorani, A.G., *Horrors of Partition*, Frontline, 2012.
– Rafiabadi, Hamid Naseem (Ed.), *Challenge to Religions and Islam: A Study of Muslim Movements*, New Delhi, Sarup & Sons, 2007.
– Rai, Mridu, *Hindu Rulers, Muslim Subjects: Islam, Rights and the History of Kashmir*, New Delhi, Permanent Black, 2004.
– Ram, Diwan Kripa, *Gulabnama: A History of Maharaja Gulab Singh of Jammu and Kashmir Hardcover,* From Persian By Sukhdev Singh Charak And Anita Charak Billawaria Gulshan Books, Srinagar, 2012.
– Roy, Manabendra Nath, *Radical Humanist*, Calcutta, Maniben Kara, 2004.
– Saraf, Mohammad Yusuf, *Kashmiris Fight for Freedom*, Lahore, Ferozsons Limited, 1977.
– Scofield, Victoria, *Kashmir in Conflict*, London, Bloomsbury Publishing, 2021.
– Smith, David, First Anglo-Sikh War 1845-46 The Humbling of the Khalsa, Kindle Edition, 2019.
– Snedden, Christopher, *Kashmir: The Unwritten History*, New Delhi, Harper Collins India, 2013.
– Sufi, G. M. D, *Kashir: Being a History of Kashmir from the Earliest Times to Our Own*, University of the Punjab, Lahore, Pakistan, 1948.
– Thorpe, Robert, *Kashmir Misgovernment*, London, 1868.
– Vigne, Godfrey Thomas, *Travels in Kashmir, Ladakh, Iskardo*, London, Henry Colburn, 1842.
– Yasin, Mohammad and Abdul Qayum Rafiqi, *History of the Freedom Struggle in J&K*, New Delhi, Light and Life Publishers, 1980.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.7]